

شاید با دیدن تیتراژ این نوشتار با خود بگویید به حول الهی چندین سال است که بساط فتنه برچیده شده است و به پاککنندگان این آتش خانمان سوز نیز اکنون رسوا و منزوی و مطروداند. پس چه ضرورتی دارد که به این امر پرداخته شود؟

پاسخ سوال مزبور این است که تاریخ همواره در حال تکرار است. این که حسین بن علی (ع) فرمود: کل یوم عاشورا... «یعنی این که نبرد حق و باطل همواره وجود دارد. هر روز صحنه‌ی صف‌آرایی این دو جناح است. فلذا برای این که نقشه‌ی راه آینده را بدانیم بایستی به گذشته رجوع کنیم و از آن عبرت بگیریم. از این روست که شاهد آن بودیم که در بحبوحه‌ی فتنه‌ی ۸۸، مقام عظمای ولایت، امام خامنه‌ای برای دفع فتنه و تبیین فضای سیاسی کشور به بازخوانی نقش خواص در صدر اسلام پرداختند. فلذا همچنان که بازخوانی تاریخ پرفراز و نشیب صدر اسلام، پادزهر فتنه‌ی ۸۸ بود بازخوانی و عبرت گرفتن از فتنه‌ی ۸۸ نیز جامعه را از گزند فتنه‌های احتمالی مصون و محفوظ می‌دارد.

اکنون که تشتت بی‌آبرویی فتنه‌گران از بام افتاده است و رویای تغییر نظام به خوابی بدون تعبیر بدل گشته و با توجه به نزدیک شدن به آستانه‌ی انتخابات، شاهد آنیم که عده‌ای سعی در تطهیر فتنه داشته با وقاحت تمام ابراز می‌نمایند که ما در سال ۸۸ قصد براندازی نداشته‌ایم و صرفاً معتمد به وقوع تقلب و مهندسی آراء در انتخابات مزبور هستیم و با اصل نظام زاویه نداریم و قس علی هذا... شاید این دست افاضات برای دروغ‌گویی چون خود فتنه‌گران باورپذیر باشد چه، دروغگو کم حافظه است اما وقتی به حافظه‌ی تاریخی خود رجوع می‌کنیم و اقدامات و شعارهای آنان را از نظر می‌گذرانیم در می‌یابیم که انتخابات و نتیجه‌ی آن صرفاً بهانه‌ای برای اقدامات براندازانه‌ی فتنه‌گران و تقلب، «اسم رمز شورش» بود. شاهد این مدعا اقدامات و شعارهای اینان در طول ماه‌ها آشوب‌آفرینی است که در زیر به واکاوی بخشی از این شعارها می‌پردازیم:

۱. «شعار ملت ما، دین از سیاست جدا» همه می‌دانیم که فلسفه‌ی وجودی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به صحنه آوردن دین در عرصه‌ی سیاست بوده است فلذا سر دادن شعار مزبور نشان از آن دارد که هدف، سرنگونی این نظام و جایگزین نمودن نظامی سکولار است تا از این رهگذر به مطلوب خود، نائل آمده موجبات تفکیک دین از سیاست را فراهم آورند. بدیهی است سردادن چنین شعارهایی بدان معنی است که دعوا بر سر ریاست جمهوری شخص «الف» یا «ب» نیست زیرا مادامی که تغییری بنیادین و زیربنایی در سپهر سیاسی کشوری رخ ندهد تغییر در روینا، تاثیر معتناهی نخواهد داشت.

۲. «اوباما، یا با اونا یا با ما» در این شعار، فتنه‌گران از رئیس جمهور آمریکا تقاضای همراهی و هم‌نوایی دارند. در اینجا این سوال به ذهن متبادر می‌شود که اگر به راستی از نتایج انتخابات ناراضی هستید و در پی متزلزل نمودن پایه‌های اقتدار و مشروعیت و تغییر نظام حاکم نیستید پس چرا به جای پیگیری مطالبات خود از نهادهای ذیصلاح مصرح در قانون، دست به دامان سران استخبار شده، چشم‌پاری به آنان دوخته‌اید؟

۳. «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» این امر از مسلمات تاریخی است که اصلی‌ترین خواسته و شعار ملت ایران در طول مبارزات افتخارآمیز علیه رژیم ستمشاهی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود و قاطبه‌ی ملت ایران با شرکت در فراندوم، به جمهوری اسلامی، «آری» گفتند. حال سوالی که در ذهن منقوش می‌گردد این است اگر صرفاً مدعای تقلب دارید و قصدتان براندازی نیست چرا به نوع سیستم حکومتی حمله می‌برید؟

۴. «مرگ بر اصل ولایت فقیه» این شعار نیز به مانند سایر شعارهای طرح‌شده مبین این نکته است که تقلب در انتخابات، دروغ و بهانه‌ای بیش نبوده است و هنگامی که رئیس جریان فتنه، از نفوذ مجدد در بدنه‌ی حاکمیت مایوس گشتند بهترین حربه را برهم زدن بازی و تغییر نظام مبتنی بر ولایت فقیه دانسته، برای فریب و به صحنه کشاندن مردم از مستمسک تقلب بهره جستند و ریزش و تقلیل هواداران این طیف نیز ناشی از همین امر بود و آنانی که در ابتدا می‌پنداشتند به راستی تقلب صورت گرفته است آن‌گاه که دریافته‌اند که هدف، ساقط نمودن نظام اسلامی است و شعارهای هنجارشکنانه و رفتارهای مشمئزکننده‌ی آنان از قبیل هتک حرمت عاشورای حسینی را مشاهده نمودند از حمایت از فتنه‌گران دست برداشته به دریای خروشان ملت پیوستند و یوم... ۹ دی را آفریدند. با توجه به آنچه از نظر گذشت به نظر می‌رسد علی‌رغم برخی تحلیل‌ها که فتنه‌ی مزبور را ناشی از عقده‌ی ۴ ساله از دولت نهم ارزیابی می‌کنند اما با نگاهی کلان‌تر در می‌یابیم همه‌ی این وقایع، ناشی از عقده‌های ۳۰ ساله از نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است به نحوی که موجب شد تمام طیف‌های سیاسی نامتجانس که دارای رویکردهای ایدئولوژیک متفاوت و بعضاً متضاد (لیبرال، کمونیست، سلطنت طلب و...) بودند و تنها وجه اشتراکشان، ضدیت با انقلاب اسلامی بود برای چند صباحی اختلافات را کنار گذاشته و همگی در یک جبهه، علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت نمایند.

+ ویژه‌نامه‌ی شهدای مدافع حرم

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۶



دزد گرفته نشده، پادشاه است

صفحه ۳

فروشنده در بوته نقد

صفحه ۲



جشن تولد با پوریا پورسرخ

صفحه ۶



تو هم منی است



عقده‌های سی ساله از گوگوشی تا سروشی

به راستی در سال ۸۸ مسئله بر سر نتیجه انتخابات بود؟

فروشنده در بوته نقد

آن‌ها بود او می‌ترسید نگاهش کند اما به یک آن یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای رخ می‌دهد و او می‌شود خیرخواه پیرمرد و از عماد می‌خواهد که او را ببخشد و حتی با عماد به خاطر بخشش پیرمرد دعوا می‌کند.

پس از تماشای فیلم مخاطب با خودش

مقصر است؟ پیرمرد که شب به خانه عماد می‌آید و... یا عماد که می‌خواست چهره واقعی پیرمرد را به خانواده وی نشان دهد؟

پیرمرد زن دارد. با وجود این که زن دارد با زن معلوم‌الحالی ارتباط دارد. نیمه شبی هم به خانه عماد و رعنا می‌رود و... حال فرض بگیریم که عماد و رعنا هم پیرمرد را بخشیدند اما آیا این پیرمرد دست از کار خود برمی‌دارد؟ حدیث داریم که انسان پیر می‌شود اما نفسش پیر نمی‌شود و همچنان جوان می‌ماند نمونه‌اش این پیرمرد. به نظر بنده نباید پیرمرد بخشیده می‌شد. حداقل باید شخصیت واقعی وی نزد همسرش هویدا می‌شد.

ده- تاکنون فیلم‌های چهارشنبه سوری، درباره الی، جدایی نادر از سیمین و فروشنده را از اصغر فرهادی دیده‌ام. سه فیلم که وی در نگارش آن‌ها مشارکت داشته است را هم تماشا کرده‌ام. فیلم‌های ارتفاع پست، محاکمه در خیابان و کنعان.

درون‌مایه بیشتر این فیلم‌ها را موضوع «خیانت» تشکیل می‌دهد. فیلم‌های وی در بستر زندگی زن و شوهرها رقم می‌خورد و چالش اصلی فیلم‌های وی تعارضات بین این دو و تعهداتی است که بین این دو نفر وجود دارد.

یازده- تفاوت فیلم‌های مسعود کیمیایی و اصغر فرهادی: لقب مسعود کیمیایی کارگردان فیلم‌های «لات‌های ناموس پرست» است اما در مقابل او اصغر فرهادی قرار دارد که درون‌مایه فیلم‌های وی «خیانت» است. در نگارش فیلم‌نامه‌ی فیلم محاکمه در خیابان اثر مسعود کیمیایی، اصغر فرهادی مشارکت داشته است. نکته‌ی جالب توجه این است که درون‌مایه‌ی آن فیلم نیز «خیانت» است.

محمدباقری، کارشناسی
ارشد تاریخ ۹۳

است از این که فیلم بد بفرستند. شش- آن چه در کارهای اصغر فرهادی مهم است و در عین حال کمتر به آن توجه می‌شود نمادهاست. از جهتی می‌توان سینمای اصغر فرهادی را سینمای نمادها دانست. نمادها در فیلم‌های او بسیار مهم است برای مثال چرا باید بیشترین ترک‌های دیوار در اتاق خواب رعنا و عماد باشد؟ چرا دیوارهای حال و پذیرایی این قدر ترک نخورده است؟ چرا باید فیلم با سر و صدا و هرج و مرج شروع شود؟ آن هم سروصدایی که خانه را نابود می‌کند. هفت- این فیلم نسبت به فیلم جدایی نادر از سیمین از پیچیدگی کمتری برخوردار است.

هشت- چرا نام این فیلم فروشنده است؟ در این فیلم چه چیزی خرید و فروش می‌شود؟ غیرت؟ ناموس؟

نه- مهمترین ویژگی فیلم‌های اصغر فرهادی این است که کلاف‌های درهم تنیده بسیاری ترسیم می‌کند و در نهایت مخاطب را در سردرگمی رها می‌کند و این اجازه را به مخاطب می‌دهد که هرکسی بر اساس فکر خود آن قصه را تمام کند.

در این فیلم هم به وضوح این ویژگی وجود داشت. رعنا به شدت از پیرمرد می‌ترسد حتی وقتی که پیرمرد تحت اختیار

یک- تماشای این فیلم باید محدودیت سنی داشته باشد.

دو- بازی خوب شهاب حسینی و ترانه علیدوستی از ویژگی‌های خوب این فیلم است. شهاب حسینی در عین جوانی از بازیگران بزرگ سینمای ماست.

او و مهدی پاکدل و الهام حمیدی همیشه برای من محترم‌اند چرا که آنان در عین حالی که در بازیگری خود استادند کم حاشیه نیز هستند و برخلاف بسیاری از بازیگرها اهل حاشیه‌سازی نیستند.

سه- از امتیازهای فیلم‌های اصغر فرهادی این است که فیلم‌های وی در بستر جامعه رخ می‌دهد. این ویژگی در فیلم‌های کمتر کارگردانی وجود دارد. اکثر فیلم‌های ما خانواده‌های مرفه جامعه را تصویر می‌کنند اما اصغر فرهادی روایت‌گر زندگی‌های افراد طبقه متوسط جامعه است.

چهار- در فیلم‌های اصغر فرهادی موسیقی وجود ندارد. چهارشنبه‌سوری، جدایی نادر از سیمین و فروشنده موسیقی وجود ندارد. بخش‌هایی خیلی کوتاه از درباره‌ی الی موسیقی وجود داشت. این از معایب فیلم‌های وی است.

پنج- به نظر نگارنده این فیلم نباید از سوی بنیاد فارابی به عنوان نماینده‌ی ایران در اسکار معرفی می‌شد. بنیاد فارابی باید فیلمی را برای اسکار بفرستد که در آن ارزش‌های انقلاب را مطرح کند و صدای انقلاب ما را به جهانیان برساند. اگر هم در یک سال فیلمی با این ویژگی‌ها نداشتند بهتر

آنچه در کارهای اصغر فرهادی مهم است و در عین حال کمتر به آن توجه می‌شود نمادهاست. از جهتی می‌توان سینمای اصغر فرهادی را سینمای نمادها دانست.





دزد گرفته نشده، پادشاه است

جز حرکات معدود، بر خورد خاصی با نجومی گبران نشده است

و این ایفای مسئولیت آنچنان بار سنگینی است که هرکسی را یارای تحمل آن نیست و به تعبیری در جامعه‌ی اسلامی باید به افراد برای قبول مسئولیت التماس نمود. در نقطه‌ی مقابل اما لیبرالیسم و ماکیاولیسم قرار دارند که برای نیل به هدف، تمسک به هر وسیله‌ای را مباح می‌دانند و نگاهی ابزاری به تمامی پدیده‌ها من جمله پست و مقام، دارند.

وجود همین تمایزات است که شهید عظیم‌الشان بهشتی مظلوم در این باره می‌فرمایند: ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت.

لهذا وقتی طرز تلقی از مسئولیت، مبتنی بر سودجویی باشد به بار آمدن افتضاحاتی نظیر فیش گیت، نه یک امر خارق العاده و استثنایی، بلکه پدیده‌ای سیستماتیک و فراگیر خواهد بود.

بلاتردید فیش‌های آلوده بیشتر از آن چیزی است که از پرده برون افتاده است و رسانه‌ای گشته و اگر سازمان‌های نظارتی به طور جدی ورود پیدا کنند، مسلماً تعداد بیشتری از فیش‌های حقوقی نامتعارف، مکشوف می‌گردد.

لیکن در حال حاضر که فقط فیش نجومی تعداد کمی از مدیران، لو رفته است همین عده‌ی بخت‌برگشته برای مانور رسانه‌ای عزل می‌شوند و مابقی کماکان عیششان مستدام می‌ماند

که به تعبیر قدما:
دزدی که در چنگال قانون گرفتار نشده
است در حکم پادشاه است...

| محمد سعید ابراهیمی، حقوق‌۹۲ |

در حال حاضر که فقط فیش نجومی تعداد کمی از مدیران، لو رفته است همین عده‌ی بخت‌برگشته برای مانور رسانه‌ای عزل می‌شوند و مابقی کماکان عیششان مستدام می‌ماند



طی یک سیاسی که اکنون زمامدار قوه‌ی مجریه می‌باشد، چند صباحی به سبب روی کار آمدن رئیس دولتی فراجربی، به نام محمود احمدی‌نژاد از قدرت به دور بوده است و اکنون که عوامل مختلفی رأیی ناپلئونی برایشان به ارمغان آورده نیز، دولت خود را مستعجل و تک دوره‌ای یافته‌اند و می‌دانند که دیگر بار، دستشان برای مدت مدیدی از قدرت کوتاه خواهد گشت. فلذا فرصت را مغتنم شمرده،

برآنند تا برای خود از این نم، کلاهی بدوزند و این همان امری است که امام امت چندی پیش متذکر آن شده، نگاه به مسئولیت به مثابه محملی برای انباشت ثروت‌های ناروا را به شدت تخطئه و محکوم نمودند.

اساساً در پارادایم نظری اسلام، مناصب حکومتی و دیعه‌ای الهی محسوب می‌گردد که در پرتوی تصدی آن، فرد بتواند به خواهران و برادران دینی‌اش «خدمت» نماید

سخنی با پهلوان پوشالی عرصه‌ی سیاست

جناب دکتر محمود صادقی؛ نماینده محترم تهران
این ایام به طوری عجیب و خارق‌العاده شاهد دل‌نگرانی‌ها و دل‌سوزی‌های پشت سرهم شما در امورات مختلف سایر قوا و دستگاه‌ها هستیم. انگار شما را یک تنه موظف کرده‌اند که به تمام دانشگاه‌های اصلی و تاثیرگذار کشور سر بزنید و به تنویر افکار عمومی بپردازید و مبارزه‌ی مدنی را در راستای احقاق حق‌های به ظاهر مسلمانان به وجود آورید. انگار تمام پایمالان حقوق مردم و تمام فتنه‌گران و عاملان نفاق و دودستگی و همه‌ی آنانی که با اسم انقلاب بیش از همه از سفره آن برداشته‌اند، شما را وصیت کرده‌اند که ادامه‌ی روندشان را با زبان مبارکتان!!! پشت تریبون‌ها ادامه دهید.

جناب دکتر صادقی؛ آن چه ما از اسم نماینده مجلس برداشت می‌کنیم آن است که به دنبال احقاق حقوق مردم و تأمین امنیت جامعه با انعکاس صدای مانده در گلوی مردم باشد اما انگار بایستی تعریف جدیدتری از نماینده مجلس به خاطر بسپاریم. باید نمایندگان را کسانی تعریف کنیم که با نام التزام عملی به جمهوری اسلامی و در جهت تنویر افکار عمومی به سمت دانشگاه‌ها و مراکز علمی سرازیر می‌شوند و همه‌ی آن چه پایه‌های اصلی یک جامعه را تشکیل می‌دهد، به زیر سوال می‌برند و موج‌سواری انتخاباتی خود را با تخریب چهره‌های رقیبانشان در

فضاهای تاثیرگذار علمی به وجود می‌آورند. جناب دکتر صادقی؛ خواستیم یادآور شویم، روز به روز سال ۸۸ و تاخت و تازهای نفاق‌گرایانه و فتنه‌انگیزانه دوستان و همراهان شما در فضای کشور به اسم آزادی و آزادی را در خاطر داریم و این اطمینان را به شما می‌دهیم که اگر به تک‌تک مجموعه‌های علمی نیز سرک بکشید و دم از حصر و محصوران بزنید ذره‌ای حماسه عظیم ۹۰دی را در چشم ملت ایران کوچک نمی‌کند و قطره‌ای از اقیانوس نفرت ما از منافقان داخلی و به هم‌ریختگان کشور کم نمی‌گردد.
اما بدانید دیگر نخواهیم گذاشت که فتنه‌ی بعدی با جولان دادن‌ها و تاخت و تازهای

بی‌شرمانه امثال شما به نام مجدد رسمیت آزادی و آزادی، ایجاد گردد و فضای دانشگاه‌ها را از امثال شما با اتکا به قوه و نیروی الهی خالی خواهیم کرد.

در پایان نیز به عنوان جوانان مومن انقلابی، از شما می‌خواهیم که دیگر نگران عدم رعایت فرمایشات رهبری در جامعه‌ی اسلامی نباشید، زیرا که به صراحت می‌گوییم حضور و جولان افرادی نظیر شما در دانشگاه‌ها خود بر خلاف فرموده‌های رهبری است و اگر به دنبال احیای بیانات ایشان هستید، به شما توصیه می‌کنیم دیگر پای در دانشگاه‌ها نگذارید چرا که ایشان می‌فرمایند: «باید مراقبت کرد که محیط دانشجویی، میدانی برای تاخت و تاز سیاست‌بازان حرفه‌ای نشود.»

| منصوره زعفرانی، حسابداری ۹۳ |





ای شهیدان! عشق، مدیون شماست...

هر کجا فاتح بود، پیکر نمی ماند به جا

هر کجا فاتح بود، پیکر نمی ماند به جا
دوستان دانند، حتی سر نمی ماند به جا
با ابوحامد هراسی نیست در میدان جنگ
هر کجا سردار باشد، غم نمی ماند به جا
صورت و سر گر نشان باشد ولی سردار ما
همچو اربابش نشان، حتی نمی ماند به جا
فاطمیون را هزاران چهره چون خورشید هست
ابرها در آسمان، دائم نمی ماند به جا

فاطمیون قلب ما، مشتاق دیدار شماست
آنکه عاشق سوخت، خاکستر نمی ماند به جا

| احمدی |



خون می دهند و اشک.
به گمانم وقتی می نوشتی قلم به
حرفهایت گوش می داد.
آری گوش.

قسم به سطرهایی ک بوی عشق می دهد
و حکایت از عشقهایی است که وصالش
به ابدیت پیوست.

کاغذ سفید که حرفی نداشت و تو کلمه
به کلمه، بهایی چون زر بدان بخشیدی
و چقدر این روزها حرفهایت را به اندک
بهایی می فروشیم و زیر پا می گذاریم.
این جا این روزها همه چیز عجیب و
غریب شده است.

دغدغه های تو چه بود و دغدغه های
نسل من چیست؟
حجم اینترنت باقیمانده، نامه های سِند
نشده، گوشیهایی که بی دلیل موجه
شارژ تمام می کند.

لغت به تکنولوژی...
شب و روزمان چه بی بهانه یکرنگ
شده اند

نسل من گرفتار سیاه چاله ایست که
بیرون آمدنش، گمانم غیرممکن است...
چه انتظاری است از این نسل...

چگونه سر مزارت دلمان بلرزد و عهد
بندیم که میان تاریکی افکارمان نقطه
پیوندی با آرمان های نورانیات پیدا
کنیم؟

چقدر مردان شبیه تو کم شده اند...
چشمم به نقطه ای از اتوبان می افتد.
عکست می درخشد و کنارش نوشته اند
که یادت زنده است
یادت که زنده است...
اما راهت؟؟؟
نمی دانم...

| گلشنگی ، حقوق ۹۳ |

قلم من برای رقصانیدن واژه ها برای
کوچک است... بسیار کوچک و خام...
وقتی که جوهر قلم تو خون پاکت بود
که قصه ی عشق بیکرانت به خاکت را روی
وسعت تمام نشدنی نخلستان ها و بیابان ها
حک کردی.

و چقدر گل های گرمسیری از خونت جوانه
زدند روی جنوب غربی ترین نقطه ی
رفتنت و آسمانی شدنت.

و چه ساده توانستی از هیاهوی
دل مردگی های این دنیا که به گمانم
نامش زندگیست دور شوی...
چگونه دریا با همه ی عظمتش در قلب تو
جا شد؟

چشم هایت بی شک به باور «خدا برای
ما کافیست» رسیده بود.

چقدر جای مردانی مثل تو گاهی خالی
می شود...
و چقدر حصار جاده ها بین مردمان امروز
و مردمان از جنس تو طولانی شده است.

لحظه ها از نبودن امثال سرشارند.
و چه شکنجه ای برای دنیا بودی که پیکر
عظیمت را تاب نیاورد و بزرگیات بزرگی
دنیا را به چشم نمی آورد

چه عارفانه کرانه ها را در نور دیدی و به
انتهای رسیدن رسیدی.
امان از این فعلهایی ک ماضی شده اند...
و درود به دلهایی که شبان هنگام جرعه
جرعه عشق الهی را سرکشیدند و با خاک
قرار وصال بستند.

خدا تو را به بزمش دعوت کرد.
و تو به رسم میهمانی پیرهنی از عشق
برتن کردی و بر خلاف رسم و رسوم، این
بار تو به استقبال میزبانی خالقت رفتی.

آسمانی بودی و دنیا به تو نمی آمد.
قسم به نامه های رسیده و اشک های
چکیده، به لابه لای واژه های که بوی

و چه ساده
تو ا نستی
از هیاهوی
دل مردگی های
این دنیا که
به گمانم نامش
زندگیست دور
شوی ...

و درود به
دلهایی که
شبان هنگام
جرعه جرعه
عشق الهی را
سرکشیدند و
با خاک قرار
وصال بستند.

اعجاز فاطمیون

شروع کن، خدا خودش کمک می کند.»
با اصرار فراوان ابوحامد بالاخره مسئول
زرهی راضی شد که امتحان کند و در
آخر گفت: «ابوحامد من می دانم که
نمی شود.»

چند روزی از شروع آموزش نگذشته بود
که مسئول زرهی به نزد ابوحامد آمد
و به حاجی گفت: من در طی خدمت
بیست و چند ساله ام در زرهی، اولین بار
است که همچین چیزی را می بینم که
یک نیرو با این سطح تحصیلات پایین،
بهترین کادر زرهی شود...

ابوحامد با لبخند همیشگی گفت: «این
برادران سربازهای آقا امام زمان (عج)
هستند، تعجب نکن از این معجزات در
فاطمیون زیاد می بینید.»

| راوی: بلال رزمنده فاطمیون |

خود حاجی شخصا لیست بچه ها را تهیه
کرد و به قرارگاه رفتیم.
لیست را در مقابل مسئول زرهی قرارگاه
گذاشت.

مسئول زرهی نگاهی به لیست انداخت
و به ابوحامد گفت: «حتما داری شوخی
میکنی، در این لیست که بالاترین مدرک
تحصیلی دیپلم است و باقی همه یا
سیکل دارند یا تا کلاس ششم و هفتم
درس خوانده اند. این برادران از پس
آموزش های زرهی بر نمی آیند»
حاجی گفت: «شما با توکل به خدا

حاجی خوشحال شد و گفت: قبول کردند
که از بچه های ما هم برای یگان زرهی
استفاده شود ولی نیرویی می خواهند که
واجد شرایط باشد.

گفتم: چه شرایطی؟
گفت: فوق دیپلم، حداقل مدرک تحصیلی
است که مورد قبول قرارگاه برای یگان
زرهی است.

گفتم: مگر در بچه های ما چند نفر پیدا
می شود که همچین مدرک تحصیلی را
داشته باشند؟
حاجی خندید و چیزی نگفت...

مسئول زرهی
نگاهی به لیست
انداخت و به
ابوحامد گفت:
«حتما داری
شوخی میکنی،
در این لیست که
بالاترین مدرک
تحصیلی دیپلم
است و باقی
همه یا سیکل
دارند یا تا کلاس
ششم و هفتم
درس خوانده اند.
این برادران از
پس آموزش های
زرهی بر
نمی آیند»

فاطمیون،

گل سر سبد...

از سردار حاج قاسم سلیمانی پرسیدند نظر شما درباره‌ی فاطمیون چیست؟ حاج قاسم با همان لبخند همیشگی نگاهی کردند و گفتند: تمام سربازان جبهه مقاومت از حزب... گرفته تا زینیون و حیدریون گل هستند، همه مرد نبرد علیه تکفیرند، اما فاطمیون گل سرسبد این جمع است و افتخار ما این است که در کنار اینها (فاطمیون) می‌جنگیم...

شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش...

سیدحکیم و سیدابراهیم در تل قرین (تل ابوحامد) خوش درخشیدند، در همان عملیاتی که ابوحامد و فاتح شهید شدند، این دو فرمانده سرافراز حضور داشتند و در عملیات الهبایه هم دوشادوش هم رزمیدند. حکیم این اواخر این بیت را زمزمه می‌کرد: ما مدعیان صف اول بودیم از آخر محفل شهدا را چیدند... حالا ما می‌گوییم: رفیقان می‌روند نوبت به نوبت خدایا نوبت کی خواهد آمد؟

مدافعان اسد یا محافظان حرم؟

به آن‌ها که می‌گویند چرا به سوریه می‌روید، بگویید که یکبار به این سرزمین بیایند تا ببینند که فرزندان معاویه با شیعیان و دوست داران اهل بیت چه معامله‌ای می‌کنند. به آن‌ها بگویید بیایند این جا و سرهای بریده شده و بدن‌های قطعه‌قطعه شده را ببینند. اگر انسان باشند، قطعا در برابر ظلم آشکار سکوت نمی‌کنند، در غیر این صورت من حرفی با آن‌ها ندارم ...

| شهید غلامرضا محمدی |

حلب را چه کسانی آزاد کردند؟

حلب موثر واقع شد. طی هفته‌های اخیر، در برخی مکان‌ها به خصوص در شمال حلب، لواءالقدس موثرترین گروه محسوب می‌شد. محمد رافع فرمانده نظامی این گروه اخیرا به شهادت رسید. -جیش دفاع الوطنی: نیروهای مردمی که از جمله رویش‌های مبارک بحران سوریه هستند، از دیگر گروه‌های فعالی می‌باشند که در آزادسازی حلب موثر بوده‌اند. بناست این نیروها تحت عنوان سپاه پنجم، به ارتش سوریه ملحق شوند. -نیروهای مردمی عراق: برخی از گروه‌های مردمی عراق در سوریه فعال بوده و علیه تروریسم تکفیری می‌جنگند. گروه مقاومت اسلامی نجباء یکی از این گروه‌هاست. -روسیه: نقش ورود روسیه به معادلات میدانی سوریه و آثارش بر پیروزی‌های اخیر، قابل انکار نیست. روسیه اگرچه مبتنی بر اهدافی متفاوت از نیروهای ایمانی محور مقاومت می‌جنگد، اما در هر صورت او در آزادی حلب، ایفاگر نقشی اثرگذار بوده است.

-جمهوری اسلامی ایران: واقعیت این است که اگر اراده و مقاومت و حمایت‌های ایران نبود، احتمالا این دستاوردهای میدانی حاصل نمی‌شد. سازماندهی فاطمیون و زینیون، انتقال تجربه بسیج که خود را در شکل‌دهی جیش دفاع الوطنی نشان داد، اعزام مدافعان حرم و انواع حمایت‌های دیگر، همگی در پیروزی محور مقاومت موثر بوده است. بازگرانی از سوریه، فلسطین، عراق افغانستان، پاکستان، ایران و روسیه در آزادسازی حلب موثر واقع شده‌اند. البته میزان اثرگذاری هر یک از این‌ها متفاوت است. با این همه اما، واقعیت این است که «حلب را خدا آزاد کرد».

| منبع: کانال ابوحامد، @shahidabuhamed |

پس از ماه‌ها نبرد و اتخاذ راهبردهای متفاوت، حلب آزاد شد. کارسازترین راهبرد که نفس تروریست‌ها را بردید، حصر تروریست‌ها در این شهر بود. با تنگ‌تر شدن حلقه‌ی محاصره، پیروزی بیشتر رخ می‌نمود و حالا حلب، یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های میدانی نیروهای مقاومت محسوب می‌شود. اما حلب را چه کسانی آزاد کردند؟ گروه‌ها و بازیگران زیر، هر یک سهمی در آزادی حلب داشته‌اند:

-ارتش سوریه: در ابتدای بحران سوریه، انتقادات زیادی به لحاظ میزان هوشمندی عملیاتی و همچنین ایستادگی در برابر تروریست‌ها به ارتش سوریه مطرح می‌شد. اکنون اما ارتش در هر دو مولفه‌ی مذکور، پیشرفت چشم‌گیری داشته است. این رشد البته عواملی دارد که مهم‌ترین‌اش، اراده ارتش و نظام سوریه بر مقاومت است. -حزبالله لبنان: ورود حزب‌الله به معادلات میدانی سوریه، طبیعی بود که تبعاتی برای او داشته باشد، اما منطبق شفاف نصرا... مبنی بر این که «دفاع از لبنان در خاک سوریه» که البته لایه‌های عمیق‌تر هویتی نیز دارد، دستاوردهای بسیاری برای این جنبش و ملت لبنان به ارمغان آورده است. -لشکر فاطمیون: شیعیان افغانستانی که در قالب لشکر فاطمیون در سوریه می‌رزمند، با شهامت و اراده‌ای که از خود در نبرد با تروریست‌ها نشان دادند، حماسه‌ساز شدند.

-لشکر زینیون: این گروه از شیعیان پاکستانی تشکیل شده است که در نبردهای حلب نیز در برخی برهه‌ها حضور داشته است. -لواء القدس: این گروه، برجسته‌ترین گروه فلسطینی است که در کنار ارتش سوریه و سایر نیروهای مقاومت، در نبرد آزادسازی



واقعیت این است که اگر اراده و مقاومت و حمایت‌های ایران نبود، احتمالا این دستاوردهای میدانی حاصل نمی‌شد. سازماندهی فاطمیون و زینیون، انتقال تجربه بسیج که خود را در شکل‌دهی جیش دفاع الوطنی نشان داد، اعزام مدافعان حرم و انواع حمایت‌های دیگر، همگی در پیروزی محور مقاومت موثر بوده است.

عمار، شقایق شد...

شهدای لشکر فاطمیون



بالا بیارند. ساعت حدود ده شب بود، داشتم نوار تیربار رو جمع و جور می‌کردم. تنها تیرباری که برای عملیات در اختیارمون گذاشته بودند؛ اونم با هفتاد تا نوار فشنگ. عمار هم شروع کرد به کمک، گفتم برادر استراحت کن فردا صبح زود میریم پای کار. بازم خندید و گفت: جوانم حاجی. اون شب خیلی خوشحال بود هی میخندید، صورتش خیلی بشاش شده بود، چشمش برق می‌زد. صبح با صدای الله‌اکبر عمار برای نماز بیدار شدم. دیدم از همه زودتر بیدار شده و بیرون چادر نماز میخونه. اصلا حال عمار توصیف ناپذیر بود. دستور شروع عملیات صادر شد، با عمار در تماس بودم، جزء خط شکن‌ها عمل می‌کرد، چند دفعه صداش کردم جواب نداد. جاوید رو صدا کردم، گفتم از عمار خبرداری؟ گفت: عمار شقایق شد...

شهید بزرگوار سید تقی حسینی

ارتفاع قله سیلدرین ۱۸۶۰ متر بالای سطح دریا و مشرف به مرز ترکیه در استان لاذقیه است. قرار بود فاطمیون بالای این ارتفاع عملیات داشته باشند. راه رسیدن به بالای ارتفاع، صعب العبور و خیلی نفس گیر بود. تازه باید غیر از سلاح فردی و تجهیزات انفرادی، مهمات عملیاتی رو هم با خودمون بالا می‌بردیم. وقتی رسیدیم کنار چادرهایی که آخرین نقطه ارتش پایین‌تر از قله بود، دیگه نفس و رمقی برای بچه‌ها نمونده بود. خیلی از بچه‌ها که بارشون سنگین‌تر بود وسط راه مونده بودند. داشتم نفسی تازه می‌کردم که دیدم عمار دوباره بلند شد و به‌طرف پایین حرکت کرد.

گفتم: کجا؟
گفت: میرم کمک بچه‌ها...
بهش گفتم حداقل یه کم خستگی در بیار بعد برو.
خندید و گفت: هنوز جونم، شما پیر شدی زود خسته میشی.
اون روز عمار سه مرتبه دیگه رفت پایین و به بچه‌ها کمک کرد تا تجهیزاتشون رو

صبح با صدای الله‌اکبر عمار برای نماز بیدار شدم. دیدم از همه زودتر بیدار شده و بیرون چادر نماز میخونه. اصلا حال عمار توصیف ناپذیر بود. دستور شروع عملیات صادر شد، با عمار در تماس بودم، جزء خط شکن‌ها عمل می‌کرد...

گزارش تصویری از جشن تولد فرزندان شهدای مدافع حرم با پوریا پور سرخ

جشن تولد با پوریا پور سرخ



امام عصر (عج)، منتظر است نه شیعیان...

و مادام که به راستی، آماده‌ی یاری و خواهان حکومت عدل ایشان نباشیم ظهور محقق نمی‌گردد.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |



علت العلل
غیبت حضرت
حجت(عج)، رشد
نایافتگی اجتماع
بوده‌است مبرهن
است که ظهور،
تنها در پرتوی
تغییر رویکرد
بشریت و خاصه
جامعه شیعی
میسر می‌گردد

به دست نابخردان دنیادوست، آخرین حجت الهی به اذن خداوند از انظار پنهان گشت تا جامعه‌ی بشری به سطحی از بلوغ نائل آید که با طوع و رغبت، گردن به اطاعت از ولیّ الهی نهند. فلذا از آنجایی که علت‌العلل غیبت حضرت حجت(عج)، رشدنایافتگی اجتماع بوده‌است مبرهن است که ظهور، تنها در پرتوی تغییر رویکرد بشریت و خاصه جامعه شیعی میسر می‌گردد چرا که در این صورت فلسفه‌ی وجودی غیبت، زائل می‌گردد و مانعی که بر سر راه ظهور قرار دارد مرتفع می‌شود. (إذا زال المانع، عاد الممنوع)

به دیگر سخن، بر خلاف تصور رایج دال بر این که شیعیان، منتظر ظهوراند؛ حقیقت امر این است که امام عصر، منتظر ماست

یکی از سنن الهی، سنت هدایت است که منقسم بر دو گونه‌ی تکوینی و تشریحی می‌باشد که از آن به پیامبران درونی و بیرونی نیز تعبیر می‌شود. پیامبران درونی، همان عقل و فطرت و غریزه‌اند که در نهاد آدمی نهفته است و پیامبران بیرونی، دسته‌ای از انسان‌های وارسته‌اند که از جانب ذات باری تعالی مامور به هدایت انسان به مسیر تعالی شده‌اند. در مسیر هدایت تشریحی، هزاران رسول برانگیخته شده‌اند و پس از ختم نبوت نیز این امر خطیر در قالب امامت استمرار یافت.

در بادی امر، هدایت تشریحی با حضور مستقیم فرستاده‌ی الهی در میان مردمان صورت می‌پذیرفت لیکن به سبب کفران نعمت خلق و شکستن چراغ‌های هدایت

بی‌بی‌سی! ننگت باد

یادداشت خبرنگار افغانستانی برای خبرنگاران بی‌بی‌سی فارسی

شمایی که در دفتر بی‌بی‌سی نشسته‌ای و خبر می‌نویسی، با شما هستم!

یک ذره تعهد هم بد نیست، اگر به دین اعتقاد نداری، دمت گرم، ولی انسان که هستی، لااقل آزاده باش!

آن قدری که شما از شکست تروریست‌ها در حلب ناراحت شدید، خود تروریست‌ها ناراحت نیستند.

تمام دنیا می‌دانند که جبهه‌النصره یک گروه تروریستی تکفیری است، آن وقت شما در خبرهایتان این گروه را آشوب‌گر و مخالف دولت و شورشی می‌نامید؟ این یعنی چی؟

دولت قانونی سوریه را متهم می‌کنید که تروریست‌ها را اذیت کرده است. این واقعا به چه معناست؟

می‌خواهید صورت جلاد را تطهیر کنید؟ صورتی که خون بی‌گناهان بر آن نشسته است؟

می‌خواهید به جای قاتل، مقتول را محکوم کنی؟

این‌گونه برداشت می‌شود که رسانه‌هایی مثل شما، با حامیان تروریسم بین‌المللی در یک جبهه قرار دارید.

شما به جای پوشش حملات بی‌رحمانه عربستان سعودی به یمن و کشتار صدها کودک، دوربینتان را روی حلب میخ کرده‌اید، شما جوش جان تروریست‌ها را می‌زنید و برای آن‌ها و در حمایت آن‌ها خبر می‌نویسید و افکار عمومی را نسبت به قضیه شرطی می‌کنید.

آیا این درست است؟ این که از تروریسم حمایت کنید، درست

است؟

آیا شما شک دارید که جبهه‌النصره یک گروه تروریستی است؟

چرا فوعه و کفری را نمی‌بینید که شیعیان در آن محاصره‌اند و تروریست‌ها هر روز خون آن‌ها را می‌مکنند؟

و فقط حلب را می‌نگرید و نگران جان تروریست‌ها هستید و برای انتقال آن‌ها تلاش می‌کنید؟

آن زمانی که همین دوستان تروریست شما سر از بدن مردم حلب جدا کردند و با سر آنها فوتبال بازی کردند کجا بودید؟

آن روزها که زنان مسلمان در حلب را گرفتند و به آنها تجاوز کردند چرا خاموش بودید؟

حمایت از تروریست‌ها چه نفعی برای شما و دولت انگلستان دارد؟

آیا شما خبرنگارید یا حامی منافع دولت انگلیس؟

شما خبرنگارید یا سرپوش جنایات تروریسم بین‌المللی؟

آیا شک دارید که حلب بخشی از سوریه است و این تروریست‌ها بودند که پنج سال آن را تصرف کرده بودند؟

یا این که در تصور شما مردم سوریه به حلب حمله کرده‌اند و خانه تروریست‌ها را خراب کرده‌اند؟

من به عنوان یک خبرنگار و به عنوان کسی که برادرش را در جنگ با تروریسم بین‌المللی و در خط مقدم مبارزه علیه داعش و النصره از دست داده است به شما می‌گویم که اگر به جنگ با تروریسم

نمی‌روید، لااقل از آن‌ها حمایت نکنید. اگر توانایی ایستادن در کنار مظلوم را ندارید، لااقل جانب ظالم را نگیرید. اگر ذره‌ای به کار خودتان ارزش قائلید و به قلم و فکر خودتان احترام قائلید، به جای نوشتن دروغ و برجسته‌سازی و شایعه‌بافی، بی‌طرفانه بنویسید.

شرم باد بر کسانی که ظلم را می‌بینند و سکوت می‌کنند.

نفرین بر کسانی که ظلم را می‌بینند و در کنار ظالم می‌ایستند.

ننگ باد بر کسانی که می‌خواهند چهره جلادان و تروریست‌ها را تطهیر کنند.

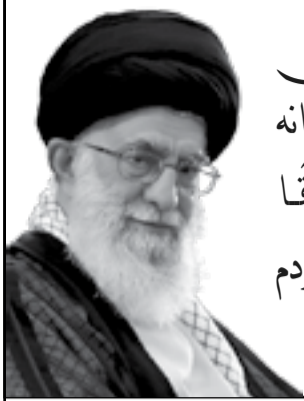
خبرنگار کسی است که واقعیت‌های عینی را می‌بیند و به مردم و افکار عمومی انتقال می‌دهد، نه کسی که واقعیت را می‌بیند و بعد آن را تحریف می‌کند و به خورد مخاطب می‌دهد.

| سیدجمال‌الدین سجادی، خبرنگار |



این گونه برداشت می‌شود که رسانه‌هایی مثل شما، با حامیان تروریسم بین‌المللی در یک جبهه قرار دارید.

شما به جای پوشش حملات بی‌رحمانه عربستان سعودی به یمن و کشتار صدها کودک، دوربینتان را روی حلب میخ کرده‌اید، شما جوش جان تروریست‌ها را می‌زنید.



حادثه‌ی نهم دی یک حادثه‌ی عجیبی است؛ به خاطر دل‌بستگی مردم به نظام بود. اینها نشان دهنده‌ی اعتماد مردم است. متأسفانه می‌شنویم همین‌طور در اظهارات مصلحت‌جویانه، مکرر می‌گویند: آقا اعتماد از دست رفته‌ی مردم را برگردانید! کدام اعتماد از دست رفته؟! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام را دوست دارند، از نظام دفاع می‌کنند.

عکس و مکاشفه

#تک_صدایی



به کاره بگو هیشکی
کاندیدا نشه دیگه...

بعد همینا دوره
میفتن و میکن
که «آیت الله»
علم‌الهدی تو مشهد
#تک_صدایی ایجاد
کرده...



تذکره

(به علت توبیخ نشریه، نام این ستون از «تذکره الاشقیاء» به «تذکره» تغییر یافته است)

۹- محسن کدیور

محسن کدیور، در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۳۸ در شهرستان فسا، از توابع استان فارس متولد شد. کدیور پس از طی مراحل ابتدایی، در سال ۱۳۵۶ به ادامه‌ی تحصیل در رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه شیراز پرداخت. انقلاب فرهنگی دوره‌ی مهندسی کدیور را ناتمام گذاشت و او را راهی قم کرد تا در محضر اساتید بزرگ آن دیار به آموختن علم دین بنشیند. با ورود به قم به آیت‌الله منتظری علاقه‌مند شد و این علاقه‌مندی موجب نزدیکی او به بیت منتظری شد. در این زمان او تحت تاثیرات افراد حاکم بر بیت منتظری و باند «مهدی هاشمی» قرار گرفت و در سال ۱۳۵۸ در مقاله‌ای با عنوان «امام را از چنگال قدر شناسان نجات دهیم» در مجله سروش به تخریب روحانیون شاخص حزب جمهوری اسلامی - شهید آیت‌الله بهشتی، آقای هاشمی‌رفسنجانی، و مقام معظم رهبری - پرداخت. کدیور اجازه اجتهاد را از آیت‌الله حسینعلی منتظری دریافت کرد. زمانه کدیور را باز از حوزه به دانشگاه کشاند. کارشناسی ارشد و دکتری را حول و حوش فلسفه و کلام اسلامی گذراند. وی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ در دانشگاه‌های امام صادق (ع)، مفید، شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس فلسفه و کلام اسلامی، فلسفه‌ی یونان، اندیشه‌ی سیاسی و حقوق عمومی در اسلام اشتغال داشت. کدیور از سال ۱۳۷۰ به مدت هشت سال معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک را به عهده داشت. او تا سال ۱۳۸۶ در دانشگاه تربیت مدرس به تدریس مشغول بود و سپس به دلیل تبلیغ آشکار علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و به‌خصوص نظریه‌پردازی علیه مبانی امامت در تشیع و نفی سندیت برخی از ادعیه معتبر و مؤکد از ادامه‌ی تدریس وی در دانشگاه جلوگیری گردید. زان پس او با هماهنگی دوستانش به آمریکا رفت و ابتدا در دانشگاه ویرجینیا و سپس در دانشگاه دوک مشغول به تدریس شد. نمونه از اراجیف و اباطیل کدیور: یک زمانی مردم می‌گفتند چون عیسی (ع) این سخن را گفته پس درست است اما امروز عیسی که سهل است خود خدا هم اگر حرفی بزند و آن حرف با عقل مردم منطبق نباشد نخواهند پذیرفت. امروز خدا در جامعه هیچ کاره است همه کاره مردند.

#شهرت_طلب



جناب شهرت طلب،
اگر جگر نداری، لاف
در غریبی مزن...

امام خامنه‌ای به
کدخداتون گفتن من
به شما کدخدا پرستا
میگم دوران بزن و در
رو تمام شده...



#اختلاس



خو خواهر من
همین دیگه

مسکن مهر و اجرا
نمی‌کنن که بودجه
واسه اختلاس کم
نیارن دیگه...



نشریه‌ی مستقل دانشجویی
گاه‌نامه‌ی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال دوم، شماره‌ی نهم

شماره‌ی مجوز: ۹۵۲۲۴۲
سردبیر و صاحب‌امتیاز: محمدسعید ابراهیمی | مدیر مسئول: امیرحسین دشتی | طراح و صفحه‌آرا: احمد قربانی پور
هیئت تحریریه: محمدسعید ابراهیمی، سیدسعید حبیب‌زاده، رضا باقری پور، امیرحسین دشتی، سیدجلیل حسینیان، آبتین نورانی، مجید نجفی، صالحه رضایی، گلنوم گلی، فاطمه حسن‌زاده، منصوره زعفرانی، مریم سادات تقی‌زاده، ف.م

ارتباط با ما

ghalam313@chmail.ir | ۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

:::لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات

خود را با ما در میان بگذارید:::